

تحلیل فضایی جرم کیف‌قاپی در شهر ساری با استفاده از سامانه اطلاعات

جغرافیایی

تاریخ دریافت: 1397/07/19

تاریخ پذیرش: 1397/09/23

سیدجلیل نبوی رستاقی،¹ ناصر بیات،² ابراهیم رجبی تاج امیر،³ سیدجعفر ساداتی⁴

از صفحه 125 تا 146

چکیده

زمینه و هدف: جرم کیف‌قاپی از جرایم شایع در نواحی شهری کشور است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل فضایی جغرافیایی کیف‌قاپی در شهر ساری انجام شده است. کیف‌قاپی یکی از جرایم علیه اموال و اشخاص شناخته می‌شود که کنترل و مقابله و پیشگیری از آن تأثیر بسزایی در افزایش احساس امنیت شهروندان دارد.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوه اجراء توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری کل جرایم کیف‌قاپی در شهر ساری طی سال 1396 است. داده‌های جرم از سامانه GIS فرماندهی انتظامی استان مازندران به عنوان یکی از استان‌های پیش‌رو در این زمینه و همچنین پرونده‌های ثبت شده، گردآوری و با نرم افزار ArcGIS تجزیه تحلیل شد. بر این اساس پراکندگی مکانی جرایم کیف‌قاپی، شناسایی مرکز ثقل و و ترسیم بیضی انحراف معیار جرم کیف‌قاپی در دستور کار قرار گرفت.

یافته‌ها: اکثریت بالایی از کیف‌قاپان مردهای جوان و میان‌سال به شمار می‌آیند که بیکار و فاقد تحصیلات دانشگاهی، و دارای سابقه کیفری هستند. پراکنش کیف‌قاپی از پیرامون به سمت مرکز شهر متراکم‌تر می‌شود و مرکز ثقل کیف‌قاپی بر مناطق مرکزی شهر انطباق دارد. الگوی زمانی وقوع کیف‌قاپی به نیمه دوم شبانه‌روز، روزهای میانی هفته، و فصل تابستان متمایل است.

نتیجه‌گیری: برآیند یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که امروزه مدیریت انتظامی جرم از جمله کیف‌قاپی نیازمند بهره‌گیری از سامانه اطلاعات مکانی جرم است. تحلیل فضایی کیف‌قاپی در شهر ساری ضرورت پاک‌سازی نواحی مرکزی شهر ساری از جرم کیف‌قاپی را آشکار می‌سازد. موفقیت در این زمینه نیازمند بهسازی و نوسازی بافت شهری بویژه بافت فرسوده بر پایه نقش طراحی شهری در پیشگیری از جرم، و تقویت سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری وضعی، اجتماعی و کیفری از جرم است.

واژه‌های کلیدی: سیستم اطلاعات جغرافیایی، جغرافیای جرم، تحلیل فضایی، کیف‌قاپی، شهر ساری.

1- کارشناس ارشد پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: mortezanabavi93@gmail.com

2- استادیار گروه جغرافیادانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول). رایانامه: n_bayat@ut.ac.ir

3- استادیار گروه جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: E.rajabi.t@gmail.com

4- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحدساری.

یکی از وظایف پلیس در حوزه پیشگیری از جرم، کمک به پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار است؛ لذا پلیس همواره درصدد آن است با شناخت و کنترل موقعیت مکانی ارتکاب جرم، وضعیتی را ایجاد کند که قربانیان بالقوه کمتر در معرض رفتار مجرمانه‌ی ضد اجتماعی مانند کیف‌قاپی قرار گیرند. ربودن هرنوع کیف، بسته یا ساک دستی که بصورت سریع، غافل‌گیرانه و ناگهانی انجام می‌پذیرد را کیف‌قاپی گویند (مقیمی و همکاران، 67:1394).

آشکار است که محیط و شرایط مکانی - فضایی هر فضای جغرافیایی یکی از عوامل کلیدی در مطالعات جرم‌شناسی شناخته می‌شود؛ بر این اساس مفهوم جغرافیای جرم در ادبیات علمی بسط یافته است. بر پایه‌ی دیدگاه جغرافیایی می‌توان با آگاهی از قواعد مکانی تأثیرگذار بر وقوع جرم به نقشه‌سازی و تحلیل فضایی با کمک ابزارهایی چون سیستم اطلاعات جغرافیایی مبادرت نمود (باتوراک و مارینویچ،¹ 2017: 1). این سیستم از نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، بانک‌داده‌های متشکل از لایه‌های اطلاعاتی، متخصصان، و مدل‌ها و الگوریتم‌هایی تشکیل شده است که جهت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مکانی از طریق ذخیره‌سازی، بازیابی، بهنگام‌سازی، پردازش، تجزیه و تحلیل، و ارایه خروجی عمل می‌کند (اخباری، 2:1385). بی‌شک شناسایی علل مکانی تسهیل‌کننده یا ترغیب‌کننده ارتکاب انواع جرم از جمله کیف‌قاپی و حذف آنها تأثیر بسزایی در افزایش احساس امنیت مردم، از طریق کاهش نرخ این گونه جرم دارد. شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز و آلوده این فرصت را فراهم می‌آورد تا پلیس بتواند سریع‌تر و مؤثرتر نسبت به بزهکاری واکنش نشان دهد و به پیشگیری و متوقف نمودن روند وقوع کیف‌قاپی بپردازد. در بسیاری از موارد، ضابطین قضایی و قضات در رسیدگی به پرونده‌های کیفری متشکله بیشتر به نفس جرم و ارکان تشکیل‌دهنده آن (مادی، معنوی و قانونی) توجه می‌کنند و کمتر به موقعیت زمانی و مکانی جرم با نگاه تحلیل‌گرانه می‌پردازند و اگر هم به این موقعیت‌ها توجه نمایند بصورت سنتی و تجربی اقدام به تحلیل جرم می‌کنند که بواسطه سلیقه‌ای عمل کردن نتیجه مورد انتظار بدست نمی‌آید؛ لذا این پژوهش با هدف استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی در تحلیل جرم

1 -Butorac & Marinović

کیف‌قاپی در شهر ساری انجام می‌شود. فرماندهی انتظامی شهرستان ساری دارای یک واحد یگان امداد و تعداد پنج کلانتری شهری (کلانتری های 11 تا 15) و سه فرماندهی انتظامی بخش (دودانگه، چهاردانگه و فرح آباد) و پنج پاسگاه انتظامی (هولار، شهدای تجن، بنافت، پشتکوه، اوروست) می‌باشد. سرانجام، انتظار می‌رود براساس یافته‌ها و نتایج پژوهش بتوان به دستاوردهای کاربردی و راهکارهای اجرایی لازم برای پیشگیری موقعیت مدار از وقوع این طیف از جرایم دست یافت.

بیان مسأله

کارشناسان سرقت را در سه نوع: سرقت عادی، سرقت به عنف و سرقت مسلحانه تقسیم‌بندی می‌نمایند. سرقت به عنف، برداشتن یا تلاش برای هرچیز ارزشمندی از یک شخص به زور و یا تهدید که به صورت غیرمنتظره، ناگهانی و گاهی اوقات همراه با ترسانیدن رخ می‌دهد را سرقت به زور یا به اصطلاح سرقت به عنف می‌گویند (ستوده گندشمین، 54:1395). کیف‌قاپی از انواع سرقت جبری می‌باشد، و می‌توان گفت تا حدودی جرمی جدید است که در نیم قرن اخیر بوجود آمده و رشد چشم‌گیری نموده است. فرد در حالی که در بی‌خبری از محلی عبور می‌کند مورد تهاجم قرار می‌گیرد و علاوه بر اینکه کیفش ربوده می‌شود صدمات جسمی و روحی شدیدتری به وی وارد می‌شود (گل محمدی‌خامنه، 110:1387). شهر ساری، به عنوان مرکز استان مازندران از شهرهای مهم و پرتردد استان است که علی‌رغم مزیت‌های مختلف با مسایل گوناگونی مانند حاشیه‌نشینی، بیکاری، اعتیاد، تراکم بالای جمعیت شهری و در نتیجه افزایش مسایل اجتماعی مانند کیف‌قاپی روبرو شده است؛ به گونه‌ای که بر اساس آمار ناجا در سال 1396، تعداد 71 فقره وقوع کیف‌قاپی رخ داده است؛ بواسطه تأثیر منفی این جرم بر احساس شهروندان هنگام حضور در فضاهای عمومی شهری یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های واحدهای پیشگیری این شهرستان می‌باشد و در صورت ادامه یافتن وقوع کیف‌قاپی مجموعه انتظامی و قضایی با چالش جدی مواجه خواهند شد. واضح است که برخورد هوشمندانه با هر نوع جرمی مستلزم آگاهی و شناسایی مناطق جرم خیز و نحوه پراکنش جغرافیایی آن می‌باشد. در ساری برخی جرائم مانند کیف‌قاپی در زمان و مکان‌های خاص رشد چشمگیر دارند و یکی از روش‌های کلیدی پیشگیری از آن،

پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار است. نداشتن تصویر روش از نحوه توزیع فضایی کیف‌قاپی، و برخورد سنتی با آن و عدم بکارگیری از سامانه‌های پیشرفته اطلاعات مکانی، دستیابی به اقدامات پیشگیرانه اثربخش را با چالش مواجه نموده است. لذا پرسش اساسی پژوهش این است که بر پایه‌ی کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی، پیشگیری موقعیت‌مدار از کیف‌قاپی با چه نوع الگوی مکانی-فضایی جرم مواجه است؟

پیشینه

گری¹ (1833) همزمان با کتله² به مطالعه در زمینه جغرافیای جرم پرداخت. وی با بررسی پنج ناحیه فرانسه به این نتیجه رسید که جرایم علیه اشخاص در نواحی جنوب و در فصل گرما بیشتر اتفاق می‌افتد و جرایم علیه اموال در نواحی شمال و در فصل سرما زیادتر است (کلانتری، 45:1380).

لندن³ (1968) با توجه به آمارهای جنایی سال 1963 ایالات متحده اظهار می‌دارد جرم و جنایت و رفتارهای خشن علیه افراد در ماه‌های گرم سال بیشتر می‌شود. از طرفی در پاره‌ای از روزهای هفته میزان جرم بالا می‌گیرد. همچنین تاریکی هوا و ساعات غیر کاری روزانه، مساعدترین زمان جهت ارتکاب جرم می‌باشد (ورورایی و حاتم‌زاده، 97:1394).

اردوغان⁴ و همکاران (2011) طی پژوهشی در ترکیه پنج جرم را مورد تحلیل قرار دادند و دریافتند که فعالیت‌های مجرمانه در زمان و مکان به صورت غیرتصادفی اتفاق می‌افتند (محمدی، حسین‌زاده دلیر و نوروزی ثانی، 46-45:1396).

هیلر⁵ (2014) در پژوهشی با عنوان «میزان توانایی مکان‌ها و فضاهای شهری در جلب مشارکت‌های شهروندان»، عنوان می‌کند که بین میزان ارتکاب جرایم اجتماعی و بزه‌کاری در گروه‌های مختلف سنی و نسلی و ایمنی ایجاد شده بر اثر تعامل مطلوب شهروندان ارتباط مستقیم وجود دارد (علیزاده و عنبر، 145:1396).

1 -Guerry

2 -Quetelet

3-Walter London

4-Erdoghan

5-Hiller

توکلی (1384) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی» نشان داد که بیشترین کانون‌های جرم‌خیز این شهر در محدوده‌های پرازدحام و متراکم شهر، شکل گرفته است. همچنین بخش مرکزی شهر محل تمرکز برخی جرایم همچون سرقت مغازه و مراکز تجاری است.

هندیانی و سرمد (1389) در پژوهشی با عنوان «به کارگیری سیستم اطلاعات جغرافیایی در کنترل جرایم شهری» به این نتیجه رسید که سیستم اطلاعات جغرافیایی می‌تواند از طریق نقشه‌سازی و الگوسازی دقیق مکانی-فضایی جرم مسئولان را در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای مدیریت پیشگیری از جرم یاری کند.

بارانی، کلانتری و جباری (1389) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل الگوهای مکانی-زمانی بزه‌کاری در مناطق شهری» دریافتند که وقوع سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران از الگوهای مکانی و زمانی خاصی پیروی می‌کند و بیشتر جرایم در روزهای شنبه، یکشنبه و چهارشنبه و غالباً روز و وقت اداری رخ می‌دهد.

مجلسی و مردانی (1391) در پژوهشی مبتنی بر سیستم اطلاعات جغرافیایی با عنوان «شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های بزه کیف‌قاپی، جیب‌بری و کش روی در شهر زنجان» 140 فقره جرم در این زمینه را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش گر چه این نوع از جرایم در اکثر محله‌های شهری رخ داده، اما کانون آن بر محدوده‌های مسکونی و تجاری نواحی مرکز شهر متمرکز است.

شماعی و همکاران (1395) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی جرایم سرقت در سطح شهر قروه» با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی به این نتیجه رسیدند که بیشترین تعداد سرقت در خیابان‌های اصلی شهر واقع و الگوی توزیع و پراکندگی جرایم نیز از زمان، مکان و فصول سال تبعیت می‌کند.

نیک‌پور و همکاران (1397)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل رابطه میان فرم شهر و احساس امنیت در شهر آمل» با بکارگیری سیستم اطلاعات جغرافیایی به این یافته رسیدند که رابطه معناداری بین فرم شهر و احساس امنیت وجود دارد؛ به طوری که با

افزایش انسجام فضایی در محلات شهری، احساس امنیت بیشتری به ساکنان این محلات می‌دهد.

مبانی نظری

پیشگیری وضعی از جرم¹: پیشگیری وضعی از جرم جلوگیری از جرم و جنایت با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌هایی است که بر کاهش موقعیت‌ها و فرصت‌های جرم و جنایت در محیط یا فضای جغرافیایی تمرکز دارند. پیشگیری وضعی به دنبال تغییر در شرایط یا ویژگی‌های فیزیکی مکان‌ها، به منظور کاهش، یا جلوگیری از جرم است. با در نظر گرفتن مثلث جرم این رویکرد بر ضلع مکان یا محیط وقوع جرم تمرکز دارد و آن را در اولویت قرار می‌دهد. رویکرد پیشگیری وضعی از دهه 1970 میلادی توسط نهادهای پیشگیری از جرم بریتانیا مورد توجه قرار گرفت و ادبیات آن توسط افرادی چون کلارک² طی چند دهه گذشته گسترش یافت؛ این رویکرد از اصول نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی محیطی مانند فعالیت‌های روزمره، انتخاب منطقی، سبک زندگی و پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بهره‌گیری می‌کند (بیات، 1397: 69). در سال 2003 کورنیش و کلارک 5 استراتژی و 25 تکنیک اجرایی پیشگیری وضعی را تشریح کردند شامل: 1- افزایش دشواری (تلاش مورد نیاز) انجام جرم؛ 2- افزایش ریسک/خطر ارتکاب جرم؛ 3- کاهش دستاورد (پاداش/منفعت) انجام جرم؛ 4- کاهش تحریک/یا محرک‌های انجام جرم؛ 5- از بین بردن بهانه/توجیه انجام جرم (کلارک و اک،³ 2005). در این رویکرد تغییراتی در طراحی و مدیریت این مکان‌ها ایجاد می‌شود تا بتوان با هزینه اجتماعی و اقتصادی کمتر، از وقوع جرم پیشگیری کرد (نجفی ابرندآبادی، 1393: 1242).

نظریه‌های مکانی و جرم

نظریه انتخاب عقلانی: نظریه این تصور را از بزه کار دارد که وی پیش از عمل مجرمانه تفکر می‌کند و منافع و هزینه‌های ارتکاب بزه را محاسبه می‌کند (محمدنسل، 1386: 298). به عبارت دقیق‌تر مطابق نظریه انتخاب منطقی/عقلانی مجرمان در فضای

1 - Situational Preventian

2 - Clarke

3 - Clarke & Eck

شهری به طور هدفمند به جستجوی طعمه‌های خود می‌پردازند، هر کجا طعمه یا قربانی را شناسایی کنند، میزان خطر انجام عمل مجرمانه را ارزیابی (اصل هزینه-فایده) و در زمان و مکانی که میزان ریسک یا خطر انجام جرم کاهش می‌یابد به انجام عمل مجرمانه اقدام می‌کنند.

نظریه فعالیت روزمره¹ : کوهن و فلسون² در سال 1979 این دیدگاه را مطرح کردند که سبک زندگی روزمره‌ی مردم و رفت و آمدهای روزانه‌ی آن به مکان‌های گوناگون (مانند: محل کار، مدرسه، دانشگاه، بازار و مراکز خرید، مکان‌های تفریحی) سبب فراهم ساختن فرصت‌های مجرمانه برای مجرمان می‌شود؛ در زمان و مکانی که که مثلث جرم (شامل: انگیزه مجرمان، مکان، آماج جرم یا قربانی) تکمیل می‌شود امکان وقوع جرم افزایش می‌یابد (کلارک و فلسون، 2004).

نظریه فضای فعالیت و فضای آگاهی³ : «فضای فعالیت» و «فضای آگاهی» در چارچوب جرم‌شناسی محیطی توسط برانتینگهام⁴ و همکاران وی مطرح شدند. فضای فعالیت، قلمروی است که به طور معمول مردم انواع فعالیت‌های روزانه‌ی خود را در محدوده‌ی آن انجام می‌دهند. تفاوت در فضای فعالیت مردم، سبب شکل‌گیری رفتارهای فضایی متفاوت در محیط می‌شود. «فضای آگاهی» افراد تحت تأثیر فضای فعالیت و دانش افراد از محیط شکل می‌گیرد. مطالعات برانتینگهام و همکاران وی در کانادا و آمریکای شمالی نشان داد که مجرمان-بزه‌کاران بیشتر تمایل به یافتن طعمه، قربانی یا اهداف مجرمانه در محدوده گره‌ها، مسیرها، لبه‌ها (کناره یا مرز) موجود در فضای فعالیت و فضای آگاهی خود دارند (بیات، 1397: 63). مطابق این نظریه، مجرمان سطح آگاهی خود را نسبت به محیط پیرامون افزایش می‌دهند پس از شناسایی فرصت، هدف کم‌خطرتر را از بین اهداف مجرمانه انتخاب می‌کنند (رحمت، 1390: 112).

نظریه پنجره‌های شکسته⁵ : در اوایل سال 1982 ماهنامه آتلانتیک در آمریکا، پژوهشی با عنوان پنجره‌های شکسته منتشر کرد که نویسندگان آن جیمز ویلسون و

1 -Routine activity theory

2 -Cohen & Felson

3 -Activity Space & Awareness Space

4 -Brantingham

5 -broken window theory

جورج کلینگ¹ یکی متخصص مدیریت شهری و دیگری متخصص جرم‌شناسی بود. آن‌ها استدلال کردند نابسامانی محیطی و ضعف در کنترل اجتماعی محرک جرم و بی‌نظمی اجتماعی است. به عنوان مثال؛ اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود کسی که تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی را دارد با مشاهده بی‌تفاوتی جامعه به این مسأله دست به شکستن شیشه دیگری خواهد زد. دیری نمی‌پاید که شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آناشیشستی، بی‌قانونی و هرج و مرج از خیابان به خیابان و از محله‌ای به محله دیگر گسترش یافته و با خود علائم و پیام‌هایی برای ایجاد بی‌نظمی اجتماعی در پی خواهد داشت. به عبارتی بزه‌کاران این پیام را دریافت می‌کنند که، هر هنجارشکنی و جرمی را می‌توانند مرتکب شوند بدون آن که کسی مزاحم آن‌ها شود (بیات، 1397: 64). در نتیجه، بزه‌کاران با مشاهده مسایلی چون آشفتگی‌های ظاهری محیط، ساختمان‌های متروکه، ناسزاهای نوشته شده بر روی دیوارها و یا تجمع مردمان بی‌سرپناه در محله، نظارت و کنترل اجتماعی را ضعیف ارزیابی می‌کنند و جهت انجام اعمال مجرمانه خود جذب این مکان‌ها می‌شوند (کلانتری و دیگران، 1388: 31-32).

نظریه کانون‌های جرم‌خیز²: مرکز کاهش بزه‌کاری متعلق به وزارت کشور انگلستان، کانون جرم‌خیز را به این شرح تعریف کرده است: یک ناحیه جغرافیایی که در آن وقوع جرم و بزه‌کاری بیش از حد معمول است. مطابق این تعریف «کانون‌های جرم خیز» محدوده‌های مشخص و معینی است که فراوانی بالاتری از کل جرایم را در خود جای داده است (کلانتری و توکلی، 1386: 4).

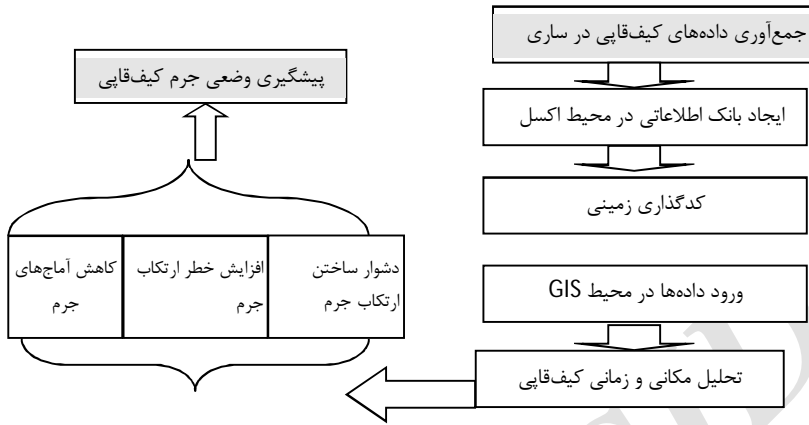
نظریه مکان ویژه: این نظریه در دهه 1960 توسط شاو³ و مک‌کی⁴ مطرح شد. آن‌ها در طی تحقیقات خود دریافتند، میزان جرایم در مکان ویژه و علی‌الخصوص در بخش مرکزی شهرها، بیشتر از بقیه مکان‌ها است و هرچه از بخش مرکزی دور می‌شویم از میزان جرایم کاسته می‌شود (شکویی، 1369: 102).

1 -James Q. Wilson and George Kelling

2 -crime hotspots

3 -shaw

4 -Mc key



شکل 1- مدل تحلیلی و مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر فرایند گردآوری و پردازش داده‌ها از نوع توصیفی-تحلیلی است. به منظور آرایه شناخت و توصیف لازم از جغرافیای جرم کیف‌قایی در شهر ساری نخست آمار جرایم کیف‌قایی در بازه زمانی یکساله 1396 به تعداد 71 مورد تهیه شد و با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS موقعیت مکانی و زمانی هر مورد از جرم بر روی نقشه شهری ساری به طور تمام‌شمار ژئورفرنس شد. سپس با استفاده از تکنیک‌های نقشه‌سازی جرم شامل الگوهای پراکنده، نقطه‌ای و خوشه‌ای، نقشه جرم کیف‌قایی ترسیم شد. نقشه جرم مبنای توصیف و تجزیه و تحلیل یافته‌ها قرار گرفت. همچنین از داده‌های ثبت شده در پرونده جرایم کیف‌قایی برای شناخت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی قربانیان و مجرمان و همچنین کمک به آرایه تحلیل‌های مستند از جغرافیای جرم در شهر ساری بهره‌گیری شد. با استفاده از آزمون مرکز متوسط مرکز ثقل جرم کیف‌قایی شناسایی شد و از ترسیم بیضی انحراف معیار برای تحلیل سطوح پراکندگی مکان‌های وقوع کیف‌قایی در شهر ساری استفاده شد. در این آزمون اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن جهت حرکت رفتار مجرمانه را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی قربانیان و مجرمان کیف‌قاپی

بر اساس یافته‌ها نسبت بالاتری از قربانیان جرایم کیف‌قاپی زن هستند، به لحاظ سنی اکثریت بالایی از آن کمتر از 40 سال سن دارند و حدود دو سوم متأهل به شمار می‌آیند (جدول 1).

جدول 1- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی قربانیان جرایم کیف‌قاپی در شهر ساری-1396

جنسیت		سن			تأهل	
مرد	زن	≤ 40	39-25	15-24	متأهل	مجرد
%45	%55	%25	%39	%36	%67	%33

بررسی پرونده جرایم کیف‌قاپی رخ داده در سال 1396 در شهر ساری نشان می‌دهد که اکثریت 99 درصدی از مجرمان مرد هستند. به لحاظ سنی بیش از سه چهارم از آن‌ها بین 15 تا 39 سال سن دارند. اکثریت 73 درصدی از مجرمان کیف‌قاپ در ساری متأهل هستند. 93 درصد آن‌ها فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند؛ همچنین 92 درصد بیکار محسوب می‌شوند و اکثریت 81 درصدی از آن‌ها دارای سابقه کیفری هستند (جدول 2).

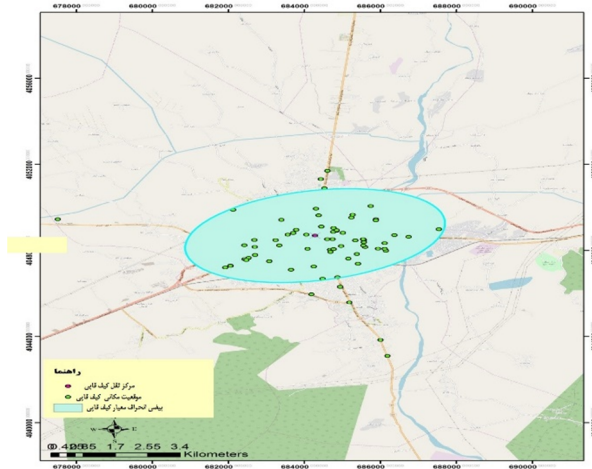
جدول 2- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مجرمان کیف‌قاپی در شهر ساری-1396

جنسیت		سن		تأهل		تحصیلات		وضعیت شغلی		سابقه کیفری			
مرد	زن	15-24	39-25	≤ 40	متأهل	مجرد	دیپلم و کمتر	دانشگاهی	تحصیلات	بیکار	شغل	سابقه‌دار	بدون سابقه
%99	%1	%36	%40	%24	%73	%27	%93	%27	%92	%8	%81	%19	

پراکندگی فضایی جرم کیف‌قاپی در شهر ساری

یافته‌های حاصل از نقشه‌سازی نقطه‌ای جرم کیف‌قاپی نشان می‌دهد که پراکندگی فضایی کیف‌قاپی در شهر ساری از چهار جهت اصلی اربعه به سمت مرکز شهر متراکم‌تر می‌شود و بنابراین بیشترین کیف‌قاپی در شهرستان ساری در محدوده مرکزی شهر واقع شده است. مهم‌ترین مکان‌های جرم‌خیز از لحاظ کیف‌قاپی در محدوده مرکزی شهر

ساری شامل میدان شهدا و خیابان‌های طبرسی، مدرس، امیر مازندرانی، 18 دی، خیام و قارن و کوچه‌ها و مسیرهای منشعب از این خیابان‌ها است. بیضی انحراف معیار در بدنه داخلی شهر دارای کشیدگی به سمت شرقی و غربی شهر دارد. بیضی انحراف معیار از محدوده مرکزی شهر دارای کشیدگی به سمت شرقی و غربی شهر است. مرکز ثقل این جرم تقریباً منطبق با مرکز جغرافیایی شهر ساری یعنی در خیابان 18 دی و انقلاب حد فاصل چهارراه برق تا خیابان 18 دی می‌باشد (نقشه 1).



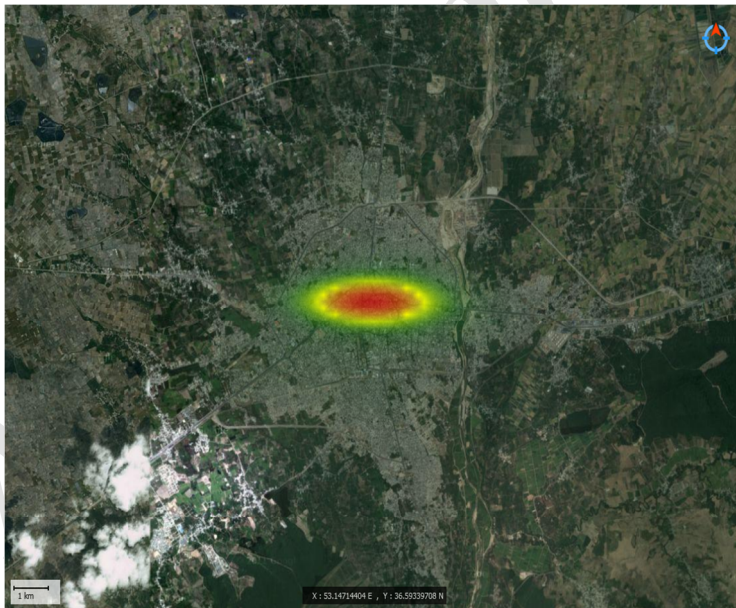
نقشه 1- پراکندگی فضایی، مرکز ثقل، و بیضی انحراف معیار جرم کیف‌قاپی در شهر ساری-1396

کانون جرم¹ کیف‌قاپی در شهر ساری

نقشه‌سازی کانون جرم کیف‌قاپی در شهر ساری در سال 1396 یک کانون جرم را نشان می‌دهد که به شیب آن به سمت مرکز شهر تشدید می‌شود. با پیش روی از کناره‌ها یا لبه‌های این کانون به سمت مرکز شهر تراکم وقوع کیف‌قاپی افزایش یافته و همان‌طور که در نقشه شماره 2 آمده از رنگ سبز به زرد و سرانجام به رنگ قرمز پررنگ تغییر رنگ می‌دهد. مساحت کانون کیف‌قاپی شهر ساری تقریباً $3998990/82$ مترمربع و محیط آن تقریباً $8962/23$ متر می‌باشد. مرکز این کانون که با مرکز ثقل کیف‌قاپی هم‌پوشانی دارد دارای بالاترین تراکم بوده و در حوالی میدان ساعت که میدان مرکزی شهر است قرار دارد. وجود محله‌ها و بناهای قدیمی و فرسوده، کوچه‌های پیچ در پیچ و

1- Hot spot

تنگ به دلیل شرایط کالبدی خاص، پیچیده بودن و تداخل کوچه‌ها در یکدیگر از ویژگی‌های بارز این کانون است. تراکم بالای جمعیت ساکن در منطقه، برخورداری از بافت قدیمی، فرسوده و آشفته شهری، از جمله شرایطی است که امکان نظارت و کنترل رسمی در این کانون را دچار چالش کرده است؛ همچنین محدودیت‌های حضور فیزیکی نیروهای انتظامی و گشت‌زنی‌های پلیس در این محدوده به لحاظ وجود کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ همچنین واقع شدن بازار نرگسیه و واحدهای صنفی امامزاده یحیی و به تبع آن تغییر کاربری غیراصولی از مسکونی به تجاری از جمله عمده مسایلی هستند که بسترساز محیطی رشد جرم در این محدوده از شهر شده است. با حرکت از سمت مرکز شهر به سمت غرب نیز روند کاهشی وقوع کیف‌قاپی مشاهده می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد احتمال تشکیل مثلث جرم (شامل: وجود انگیزه مجرمانه، مکان مناسب بر انجام جرم، وجود آماج و اهداف مناسب برای ارتکاب جرم) در نواحی مرکزی شهر ساری و در مرکز ثقل کانون جرم‌خیز آن بیشتر از دیگر نواحی شهر است.



نقشه 2- کانون جرم کیف‌قاپی در شهر ساری - 1396

تحلیل زمانی کیف‌قاپی در شهر ساری

از آنجایی که تجزیه و تحلیل مکان و زمان وقوع جرم از عناصر کلیدی در تحلیل فضایی جغرافیای جرم شناخته می‌شود، تحلیل وقوع جرایم کیف‌قاپی در شهر ساری بر اساس، روز، هفته، ماه و فصل در دستور کار قرار گرفت.

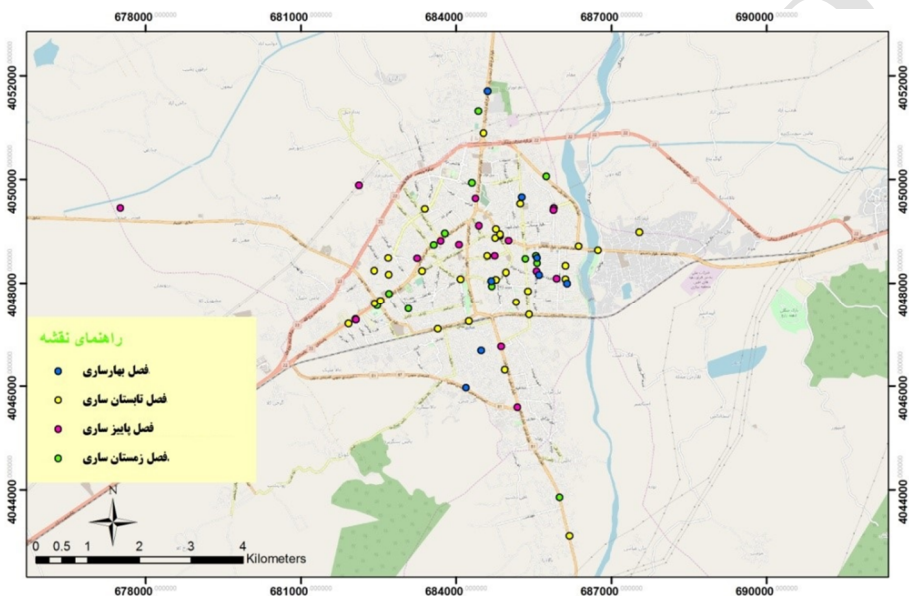
137

بررسی ساعات وقوع روزانه جرم بیانگر آن است اکثریت بالایی از جرایم کیف‌قاپی به میزان 94/67 درصد، در نیمه دوم شبانه روز یعنی از ساعت 1200 تا 2400 رخ می‌دهد؛ هر چه از ساعت 1200 به ساعات پایانی روز نزدیک می‌شویم احتمال وقوع جرم کیف‌قاپی افزایش می‌یابد. به طوری که 30/02 درصد از جرایم ثبت شده کیف‌قاپی در شهر ساری طی سال 1396 در بازه زمانی 2000 تا 2400 رخ داده است (نقشه 3). به نظر می‌رسد عامل تاریک شدن هوا می‌تواند نقش تأثیرگذاری بر افزایش آمار کیف‌قاپی طی این بخش از شبانه‌روز داشته باشد. همچنین ساعت 2000 با تعویض شیفت گشت‌های پلیس همزمان است و به نظر می‌رسد طی این جابجایی نوعی خلاء موقت در حضور فیزیکی پلیس در فضای شهری ایجاد می‌شود و سارقان کیف‌قاپ از این خلاء به عنوان یک فرصت جهت ارتکاب جرم استفاده می‌کنند. شواهد موجود در پرونده‌های ثبت شده نیز نشان می‌دهد که سارقان حرفه‌ای نسبت به این وضعیت آگاهی دارند و با شناسایی خلاءها و فرصت‌های زمانی مناسب، اقدام به کیف‌قاپی می‌نمایند. ترک خانه برای تفریح یا گردش، شرکت در بازارهای شبانه و خرید، بازگشت طیف وسیعی از کارمندان و کارگران از محل کار به خانه برخی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر رشد کیف‌قاپی در ساعات یاد شده است.

تحلیل زمانی وقوع کیف‌قاپی در حوزه کلانتری‌های شهر ساری و روزهای هفته نشان می‌دهد که روزهای سه شنبه و چهارشنبه زمان اوج وقوع کیف‌قاپی در کل شهرستان ساری با فراوانی 17 فقره می‌باشد. به طوری که در مجموع 47/88 درصد از وقوعات کیف‌قاپی در سال 1396 طی این دو روز رخ داده است.

همچنین بررسی آمار ماهانه کیف‌قاپی در شهر ساری نشان می‌دهد، در ماه‌های مرداد و شهریور احتمال وقوع جرم افزایش یابد؛ به طوری که طی تابستان 1396 در مجموع 43/67 درصد از جرایم کیف‌قاپی شهر ساری به ثبت رسیده است. از دلایل

این مسأله می‌توان به افزایش حجم مسافر و گردشگر در این دو ماه از سال اشاره کرد به طوری که حجم سفر به استان مازندران و از جمله شهر ساری، به عنوان یکی از قطب‌های اصلی گردشگری در کشور، طی این برهه زمانی از سال به اوج می‌رسد. این مسأله علاوه بر افزایش آماج جرم، سبب بالا رفتن حجم فعالیت و مشغله‌ی کاری نیروهای پلیس می‌شود و بر این اساس رشد فرصت‌های لازم برای وقوع جرم کیف‌قاپی را در پی دارد.



نقشه 3- توزیع فصلی کیف‌قاپی در شهر ساری - 1396

تحلیل فضایی کیف‌قاپی بر اساس ابزار و شیوه انجام جرم در شهر ساری

با دسته‌بندی وقوعات کیف‌قاپی در شهرستان ساری بر اساس نوع وسیله نقلیه به کار گرفته شده توسط کیف‌قاپان مشخص گردید که در سال 1396 در شهر ساری 11/27 درصد به صورت پیاده یعنی بدون هیچ وسیله نقلیه‌ای، 5/63 درصد با خودرو و 83/09 درصد با استفاده از موتورسیکلت انجام شده است و این نشانگر آن است که کیف‌قاپان هم مانند سایر مجرمان افرادی حساب‌گر بوده و براین حقیقت واقفند که استفاده از موتورسیکلت بواسطه قدرت مانور بالای آن احتمال دستگیری و خطرپذیری را کاهش می‌دهد و سرعت عمل در فرار را بالا می‌برد. از نکات قابل توجه اینکه در بخش مرکزی و بافت متراکم شهر اغلب جرایم کیف‌قاپی با استفاده از موتورسیکلت رخ داده است؛ زیرا قدرت مانور این نوع وسیله نقلیه در این گونه نواحی شهری بسیار بالاتر است. اغلب کیف‌قاپی‌های انجام شده به صورت پیاده و همچنین با استفاده از خودرو خارج از بافت مرکزی شهر، در کمربندی‌ها و خیابان‌ها و گذرهای خلوت رخ داده است.

سرانجام، با دسته‌بندی وقوعات کیف‌قاپی در شهرستان ساری بر اساس تعداد کیف‌قاپان در هر فقره مشخص شد در سال 1396 در شهر ساری تعداد 1/40 درصد با سه کیف‌قاپ، 47/88 درصد به صورت دو نفره و 50/70 درصد به صورت انفرادی رخ داده است؛ این وضعیت نشان می‌دهد اکثریت بالایی از کیف‌قاپی‌ها به صورت یک و دو نفره انجام شده است؛ از دلایلی که به طور معمول کیف‌قاپ‌ها بصورت انفرادی و یا دو نفره اقدام به کیف‌قاپی می‌نمایند این است که در جرم کیف‌قاپی هرچه تعداد سارقین کمتر باشد قدرت مانور و خطرپذیری کمتر خواهد بود. این موضوع برخلاف سرقت‌هایی چون سرقت منزل می‌باشد که هر چه تعداد سارقین بیشتر باشد برنامه‌ریزی، سرعت عمل از طریق توزیع وظایف بین اعضای گروه بهتر انجام می‌شود و انجام سرقت با خطرپذیری کمتری همراه خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت جمعیت‌شناختی مجرمان کیف قاپ نشان داد که اکثریت بالایی از آن‌ها مردهای جوان و میانسال به شمار می‌آیند که بیکار و فاقد تحصیلات دانشگاهی، و دارای سابقه کیفری هستند. این بخش از یافته‌ها بر ضرورت فقرزدایی، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان زیرساخت اصلی پیشگیری از وقوع جرم تأکید دارد.

با بررسی توزیع نقطه‌ای فضایی جرم کیف‌قاپی در شهرستان ساری مشخص شد که روند افزایشی جرم کیف‌قاپی از مناطق پیرامونی به سمت مرکز شهر است و این یافته‌ها با «نظریه مکان ویژه» شاو و مک کی و همچنین «نظریه ساخت شهر به صورت دایره متحدالمرکز» از ارنست برگس¹ هم‌خوانی دارد. همچنین در بررسی تجمع آماری کیف‌قاپی مشخص گردید که کانون این جرم در بخش مرکزی شهر شکل گرفته است و مرکز ثقل نقاط جرم نیز در مرکزیت کانون جرم خیز جرم کیف‌قاپی در شهر ساری قرار دارد؛ این یافته با «نظریه مکان‌های جرم خیز» و البته با «تعریفی که مرکز کاهش بزهکاری وزارت کشور انگلستان از کانون‌های جرم‌خیز ارائه نموده» هم‌خوانی دارد.

در نقشه تحلیل زمانی کیف‌قاپی براساس بازه‌های زمانی چهارساعته در شهر ساری مشخص گردید که در بازه زمانی 2000-2400 شرایط شهر از لحاظ کیف‌قاپی بحرانی است. با عنایت به اینکه این یافته به نوعی توزیع فضایی-زمانی کیف‌قاپی را مشخص کرده با نتایج بدست آمده «نظریه الگوی جرم» مطابقت دارد. در نقشه تحلیل زمانی کیف‌قاپی براساس روزهای هفته مشخص گردید روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه از نظر کیف‌قاپی دارای شرایط بحرانی است. که این یافته با «نظریه فعالیت روزمره مجرمانه» و «نظریه الگوی جرم» هم‌خوانی دارد. در تحلیل نقشه براساس ماه‌های سال نیز مشخص گردید که وضعیت کیف‌قاپی در ماه مرداد وضعیت بحرانی می‌باشد. نگاهی به ادبیات یافته‌های این پژوهش تقریباً با تحقیق والتر لاندن² (1968) با عنوان «بررسی آمارهای جنایی ایالت متحده سال 1963» به این نتیجه رسید که جرم و جنایت و رفتارهای خشن علیه افراد در ماه‌های گرم سال بیشتر می‌شود، هم‌خوانی دارد. همچنین در چارچوب نظریه حرارتی جرم، گری (1833) در «بررسی جغرافیای جرم در پنج ناحیه از

1- Ernest Burgess

2-Walter London

فرانسه» به این نتیجه رسید که، جرایم علیه اشخاص در فصل گرما بیشتر اتفاق می‌افتد. همچنین شمعی و همکاران (1395) در «تحلیل فضایی جرایم سرقت در سطح شهر قروه» به این نتیجه رسید که نوع سرقت با جابجایی فصل رابطه معناداری نشان می‌دهد همخوانی دارد.

در تحلیل نقشه تولید شده براساس نوع وسیله نقلیه مورد استفاده کیف‌قاپ‌ها در شهر ساری مشخص گردید که عمده کیف‌قاپی‌ها با استفاده از موتورسیکلت انجام گرفته است. که این یافته با «نظریه انتخاب عقلانی» همخوانی دارد. در تحلیل نقشه تهیه شده براساس تعداد نفرات کیف‌قاپ‌ها در شهر ساری مشخص گردید که عمده کیف‌قاپی‌ها برای اجتناب از دستگیری و لو رفتن بصورت تک نفره انجام می‌گیرد که این یافته با «نظریه انتخاب عقلانی» همخوانی دارد.

کیف‌قاپی در مناطقی که بافت سنتی شهر در آن واقع شده است بیش از سایر مناطق شهرها می‌باشد. این یافته با بخشی از نظریه «نواحی آسیب پذیر» و «نظریه پنجره‌های شکسته» همخوانی دارد. وقوع کیف‌قاپی در شهر ساری حوالی ادارات پرمراجعه مانند شهرداری، فرمانداری، دادسرا و... افزایش می‌یابد. که این یافته با «نظریه فعالیت روزمره مجرمانه» تطابق دارد. وقوع کیف‌قاپی در مناطق متمول‌نشین شهر ساری در حوزه کلانتری 14 و 11 و در حاشیه بازارهای مهم مانند بازار نرگسیه و بازار مشهور به بازار امامزاده یحیی بیش از سایر مناطق شهر می‌باشد. این نتیجه با بخشی از «نظریه نواحی آسیب‌پذیر» همخوانی دارد. در بررسی کانون جرم کیف‌قاپی در شهر ساری مشخص شد که در داخل و حاشیه این کانون میادین اصلی شهر مانند میدان ساعت، و اماکن زیارتی (امامزاده یحیی) قرار دارند. که این یافته با نتایج تحقیق ابراهیمی و همکاران (1394) تحت عنوان مروری بر روش‌های آماری تحلیل داده‌های جرم مبتنی بر مکان، همخوانی دارد.

پیشنهادها

سرانجام بر پایه یافته‌ها و نتایج پژوهش مهم‌ترین پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- تغییر و بازنگری در رویه تعویض شیفت واحدهای گشت کوپ؛

- تقویت اشرف اطلاعاتی پلیس بر کانون جرم کیف‌قاپی در شهر ساری و شناسایی مجرمان بالقوه؛
- اجرای طرح مهار توسط پلیس در مسیرهای خروجی کانون جرم‌خیز؛
- تقویت کنترل انتظامی مبادی ورود و خروج به بازار، مانند بازار نرگسیه و بازار امامزاده یحیی؛
- ایجاد ایست و بازرسی در خیابان‌های حاشیه کانون جرم‌خیز متناسب با الگوی مکانی و زمانی کیف‌قاپی در شهر؛
- اجرای طرح توقیف موتورسیکلت‌های متخلف با سرنشین جوان بویژه در مناطق مرکزی شهر و خیابان‌های منتهی به هات اسپات؛
- تقویت گشت‌های انتظامی بویژه گشت موتوری در سطح شهر مخصوصاً در داخل محدوده کانون جرم‌خیز؛
- تقویت راهبردها و تاکتیک‌های پیشگیری وضعی در بافت فرسوده شهری؛
- تقویت تعامل با سازمان‌های مرتبط با پیشگیری از جرم در راستای تقویت مراقبت‌های غیررسمی؛
- تقویت پایش محیط شهری از طریق افزایش دوربین‌های مدار بسته بویژه در نواحی جرم‌خیز؛
- کاهش آماج‌های جرم کیف‌قاپی از طریق آموزش و پیشگیری اجتماعی در رسانه‌ها، مدارس، فضای شهری؛
- تشدید برخورد قضایی با موتورسیکلت‌های دارای پلاک مخدوش؛
- تشدید برخورد قضایی با خریداران اشیای سرقت شده بویژه گوشی تلفن همراه و طلاجات؛
- تقویت سیستم پایش/مانیتورینگ مستقیم پلیس از طریق دسترسی به همه دوربین‌های نصب شده در اماکن و فضاهای عمومی شهر؛

- استفاده از گشت‌های تلفیقی و مشترک پلیس پیشگیری و پلیس آگاهی به شکل محسوس و نامحسوس در ساعات پیک جرم بویژه در نواحی جرم خیز؛
- تقویت نقش شورای تأمین در برنامه‌ها و اقدامات پیشگیری از سرقت بویژه کیف‌قاپی؛
- تمرکز بر استفاده گشت‌های موتوری پلیس در کانون‌های جرم خیز و بافت فرسوده شهری؛
- بکارگیری سیاست‌ها و تدابیر تشویقی برای آن دسته کارکنان یا واحدهای گشتی که موفق به دستگیری افراد کیف‌قاپ می‌شوند؛
- استفاده از گشت‌های یگان امداد شهرستان‌ها جهت افزایش مراقبت‌های پلیسی در محدوده‌های آسیب‌پذیر بویژه در زمان‌ها و مکان‌های بحرانی از نظر کیف‌قاپی؛
- تهیه بانک اطلاعاتی از موتورسیکلت موجود در شهر و کنترل و نظارت پلیس بر خرید و فروش آن؛
- تقویت منابع سازمانی پلیس در راستای تقویت پیشگیری انتظامی از جرم بویژه در کانون‌های جرم خیز شهری؛
- آموزش و توانمندسازی مداوم کارکنان پلیس در زمینه شیوه‌ها و شگردهای سارقان و کیف‌قاپان و نحوه کنترل و مقابله انتظامی با آن‌ها؛
- تقویت راهبرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بویژه در کانون‌های جرم خیز؛
- محدود کردن مقطعی و دائمی ورود افراد موتورسوار به محدوده‌های شهری دارای آمار بالای جرم کیف‌قاپی.

- اخباری، محمد (1385). فناوری نوین و کاربرد آن در ناجا. نشر معاونت آموزش ناجا.
- بارانی، محمد؛ کلانتری، محسن و جباری، کاظم (1389). تحلیل الگوهای مکانی- زمانی بزهکاری در مناطق شهری (جرایم سرقت به عنف و شرارت و باجگیری در بخش مرکزی تهران). فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان.
- بیات، ناصر (1397). درسنامه جغرافیای امنیتی-انتظامی. مقطع کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی. دانشکده فرماندهی و ستاد: دانشگاه علوم انتظام امین.
- توکلی، مهدی (1384). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از جی‌آی‌اس. پایان نامه کارشناسی ارشد دافوس، دانشگاه علوم انتظامی.
- رحمت، محمدرضا (1390). راهکارهای نوین پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان.
- ریحان، محمد (1392). بررسی و تحلیل مکانی-فضایی کانون‌های جرم و بزه‌کاری با استفاده از جی‌آی‌اس (نمونه موردی: سرقت منزل در شهر ارومیه). فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، شماره 21 دوره ششم، زمستان، صص 103-130.
- ستوده گندشمین، مجتبی (1395). سرقت‌شناسی قضایی پلیس. تهران: نشر کارآگاه.
- شکویی، حسین (1369). جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- شمعی، علی و همکاران (1393). تحلیل فضایی جرایم سرقت در سطح شهر قروه. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، شماره پیاپی 13، شماره دوم، تابستان.
- عبادی نژاد، سیدعلی؛ بارانی، وحید و صادقی، یدالله (1394). جغرافیای جرم. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- عزیزاده، کتابیون و عنبر، سیدحسین (1396). نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در وقوع جرم با تأکید بر پارک‌های منطقه 9 مشهد. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره بیست و نهم، تابستان.
- کلانتری، محسن (1380). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. رساله دکتری دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (1386). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری ناجا، سال دوم، شماره دوم.

- کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه و حجتی ملایری، پریسا (1388). تحلیل فضایی و پهنه‌بندی جرایم شهری زنجان با استفاده از جی آی اس. فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، دوره اول، شماره دوم، صص 147-133.
- گل محمدی خامنه‌ای، علی (1387). پیشگیری از جرایم. چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه علوم انتظامی امین.
- محمد نسل، غلامرضا (1386). پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم. فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، سال دوم، شماره پنجم.
- مقیمی، محمد رضا و همکاران (1394). دانستنی‌های پلیس آگاهی (مبارزه با سرقت). تهران: نشر معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (1393)، دانشنامه بزه‌پدیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، چاپ اول، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- نیک پور، عامر؛ فقیه عبدالهی، مهدی؛ ملک‌شاهی، غلام رضا و قریشی نیای، ماریا (1397). تحلیل رابطه میان فرم شهر و احساس امنیت (مورد مطالعه: شهر آمل). پژوهش‌نامه جغرافیایی انتظامی، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص 63-84.
- ورورایی، اکبر و حاتم‌زاده، جمشید (1394). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی. فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره دوم.
- هندیانی، عبدالله و محمد رضا سرمد (1389). بکارگیری سامانه اطلاعات جغرافیایی در کنترل جرایم شهری، فصلنامه علمی- ترویجی کارآگاه، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، سال سوم، شماره 11، صص 49-29.
- Clarke , R.V.(2001), situational crime prevention : successful case studies, 2nd edition , harrow and heston , newyork.
- Hillier, Bill and Ozlem Sahbaz, (February 2010), High Resolution Analysis of crime Patterns in urban street Networks : an initial Statistical Sketch from an ongoing study of London borough, university college London, uk.
- Newman, O., Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design. New York: Macmillan, 1973.
- Butorac, K., and Jelena Marinović (2017). Geography of Crime and Geographic Information Systems. Journal of Forensic Sciences & Criminal Investigation. 2 (4), pp. 1-7.
- Clarke, R. V., & Eck, J. E. (2005). Crime analysis for problem solvers: In 60 small steps. Washington, DC: Office of Community Oriented Policing.

- Clarke, R. V., & Marcus Felson. (2004). Routine Activity and Rational Choice. Transaction Publishers.

Archive of SID